

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب دیده شود.



آینه‌نفس



طهارت، تنها راه

آیت‌الله جوادی آملی (حفظه‌الله):

یکی از بهترین راه‌ها یا تنها راه این است که انسان طاهر باشد، پاک باشد؛ چون نشانه پاک را جز چشم پاک کسی نمی‌بیند، آهنگ پاک را جز گوش پاک کسی نمی‌شنود و مطلب پاک را جز فکر پاک احدی درک نمی‌کند و بوی طیب و طاهر را جز شامه پاک کسی استشمام نمی‌کند و غذای پاک را جز ذائقه پاک نمی‌نوشد و جامه طیب و طاهر را جز بدن پاک در بر نمی‌کند و مانند آن. اینکه در قرآن کریم فرمود: «لَا يَمْسُهَا إِلَّا الطَّهَّرُونَ» (سوره واقعه/ آیه ۷۹) تمثیلی بیش نیست، تعیین نیست. این افزاضه و اضافه اصل مسئله است که اگر کسی خواست مطلبی را درک کند، باید از سنخ آن مطلب باشد.
اینکه به ما گفتند: «رو مجرد شو مجرد را ببین /دین هر چیز را شرط است این» (مثنوی معنوی)، این یک اصل کلی است.اگر کسی خواست سخن حق را بشنود، باید گوش پاک داشته باشد؛ گوش‌ی که هر حرفی را می‌شنود، توفیق شنیدن سخن حق را ندارد!

منبع: **کناسال تلگرامی «آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی (مدظله‌العالی)»**



خدا هیچ کس را رها نمی کند

صفحه توئیتری «عالم» بیانستی از مرحوم حاج اسماعیل دولابی(رحمت‌الله‌علیه) را به اشتراک گذاشت. ایشان فرموده‌اند: خدا مثل ما نیست که بگوید شلوغ شده، رها کن، به درد نمی خورد. خداوند حتی بندگان معصیت‌کارش را هم در نظر دارد. می‌گوید او از چشم همه افتاده، پس ما باید او را بخوانیم!

—————



نظام اسلامی به جامعه‌ای رشیدو آگاه می‌اندیشد
محمد فضالی در توپیتی نوشت: تأکیدات مکرر رهبر انقلاب بر مطالعه و کتابخوانی افشار مختلف به ویژه جوانان، بیانگر این حقیقت است که نه تنها دین آفیون جامعه نیست بلکه نظام دینی به دنبال جامعه‌ای رشید و آگاه است. #بخوانیم و بسازیم



لوازم آرایشی هم مالیات نمی‌دهد!؟

اعظم‌السادات سیدمومنی توپیت کرد: همه صنف‌ها رو دیده بودیم واسه مالیات اعتراض کنند به‌جز لوازم آرایشی‌ها! ما که خودمون خرید می‌کنیم و می‌دونیم بعضی از اجناستون قاچاقه و بعضی‌هاش هم فیکه و استناددار نیست دیگه مظلوم‌هایی تکنید:انصافاً هرجایی بکید تجمع کردید واسه مالیات ندادن، بهتون میخندن!



برایتان سؤال نیست چرا خانم میرزاخانی در جوانی فوت شد!؟

مسلمان معمار در توپیتی نوشت: شما دیدن ایدی همه سال از مرگ مریم میرزاخانی گذشته یک نفر بپرسه چرا باید به دانشمند جوان اینقدر زود بمیره؟ اون سیستم درمائی دقیقاً چه غلطی می‌کرده؟! نمی‌پرسند. چون تو ایران نمرده!

شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳ | ۹۹دی‌عقده ۱۴۴۵

کاربران

||| روزنامه جوان | شماره ۷۰۳۰

|||

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به حضور جهادی بسیجیان در سیل مشهد

معجزه‌ای به نام بسیج

از نیروهای داوطلب بسیجی قدر دانی کردند. کاربران همچنین به اصل ایده و نهاد بسیج در کشور پرداختند و آن را ایده‌ای بی‌بدیل از سوی حضرت امام خمینی(ره) دانستند که موجب گره‌گشایی از بسیاری از مسائل کشور است. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

—————



■ **علیرضا گرایی:**

نگران نباشید! همان‌ها که در لرستان به داد مردم رسیدند؛ همان‌ها که در سیستان به داد مردم رسیدند؛ همان‌ها که در کرنا به داد مردم رسیدند و... همان‌ها در سیل مشهد هم به داد مردم می‌رسند. شما به زندگی تان برسید، بسیجی‌ها پای کارند.

■ **سارا علمانی:**

این دفعه باز بسیج و مردم در شهر مشهد برای یاری هموطنانشون دست در دست هم دادند و حماسه آفریدن. #سیل_مشهد

■ **محسن زمان پور:**

در میانه آب‌های خروشان، دست‌هایی برای کمک دراز شد تا ثابت کند ایران حتی در سخت‌ترین شرایط، بهشتی روی زمین است. #سیل_مشهد

■ **حسین ابراهیمی:**

امروز رفته بودم مناطقی که سیلاب خونه‌های مردم رو گرفته بود، بچه بسیجی‌ها رو دیدم که از دیشب توی خط مقدم کمک

به مردم بودن، تصویر یکی شون من رو یاد یک عکس معروف در زمان جنگ تحمیلی انداخت. چه جهاد مقابله با دشمن و چه جهاد یاری مردم، جوان‌های انقلابی همیشه در خط مقدم هستند. #سیل_مشهد

■ **فاطمه صدیقی:**

فرقی نمیکنه سیل بلوچستان بیاد یا مشهد، در هر حال بسیجیان اولین کسانی هستند که میان کمک. #سیل_مشهد

■ **م. صباح:**

حضور بسیجی‌ها در کنار آگان‌های خدمات شهری، رنج و تألم مردم رو که ناشی از سیل مشهد هست خیلی کمتر کرده. خدا خیرشون بده.

■ **حسین بلوچ:**

بسیجی هنگام خدمات‌رسانی با روی ترمز نیمه‌اره و اولین نفره که به داد مردم می‌رسه. #سیل_مشهد

■ **امیر حسینی:**

در ایران معجزه‌ای به نام بسیج وجود دارد که در شرایط سخت مانند سیل، زلزله و...

جزو اولین‌ها در آن منطقه حاضر می‌شود. #سیل_مشهد

■ **مریم هادی:**

بلاهای طبیعی که تمام دنیا اتفاق افتاده از دویی گرفته تا امارات، ایران و... ولی این برادران بسیجی جهادی فقط در ایران ظهور و بروز دارند. #سیل_مشهد

■ **مسلم معین:**

فناوری گروه‌های جهادی بسیج در دنیا نمونه ندارد. ایران با جهادی‌ها بهشت روی

زمین است حتی در سیل. مقایسه کنید با بحران سیل و سرما و آتش در مدرن‌ترین کشورهای دنیا با انسان‌های تنهایش که هر کس جان خودش را برمی‌دارد و می‌رود...

#سیل_مشهد

■ **کاربری با نام «نازنین»:**

ایسن ا تصاویر حضور بسیجیان در میدان امداد رسانی به آسیب‌دیدگان سیل مشهد! رو اوایی ببینند که میگن بسیجی‌ها کیما هستند؟ بسیجی‌ها همین جا هستن و

مثل همیشه تو میدوند و کمک می‌کنند. #سیل_مشهد

■ **کیان مهزاد:**

هر بار که حضور بسیجیان در میدان امداد رسانی را می‌بینم، رحمت می‌فرستم به حضرت اسام خمینی(ره) که موجب شدند نهاد بسیج در ایران شکل بگیرد. بسیج یک نهاد مردمی است که در هر مسئله گره‌گشایی می‌کند. ای کاش قدر این ظرفیت را بیشتر می‌دانستیم.

یک تعطیلی ساده یا یک جراحی فرهنگی بزرگ؟

—————

اساساً «هفته» تا حد زیادی درونمایه‌ای دینی و الهیاتی دارد و این تبار دینی نه تنها در آیین‌های اساطیری بابلی، مصری و رومی که در آموزه ادیان ابراهیمی بارز و واضح است. نظم ۶+۱ روزهای هفته، کنایتی از مضمون رمزآلود خلق در اشد روز (یا نشسته یا مرحله) و استوای بر عرش در روز هفتم است که در عهدین و قرآن به آن اشاره شده است. روزهای معمولی هفته (که‌که البته هر یک معانی دلالت‌ها، سنسن و مستحیات خاص خود را دارند) در نهایت به روز مقدس (Holyday) ختم می‌شوند که نقطه غایی نظم مناسکی هفته است و با فرایض و حتی مقررات و منهیات خاص دینی نشانه گذاری شده است.

این منهیات در شریعت موسوی حاد و شدید است و نهایتاً به ابتدای قوم بدل می‌شود ولی در شریعت سححه و سهله و مصطفوی به نهی از بیع و تجارت در زمان برگزاری نماز جمعه محدود شده اما باز هم وجود دارد. در سنت اسلامی هفته با شنبه آغاز و به جمعه ختم می‌شود. هر روز آداب و اعمال خاص خود را دارد و نهایتاً جمعه روز مشخص عبادی و مدنی اجتماع اسلامی است. این مسئله جدا از وجوه نفس‌الأمری و تکوینی جنبه هویتی پررنگی نیز در تمایز ملت اسلام از سایر ادیان و ملل دارد. دستکاری در این تنظیم زمانی خواه ناخواه بسا تبعات و دلالت‌های مهم فرهنگی و تمدنی همراه است.

اهمیت چنین کاری شاید یکی دو پله از تغییر خط و زبان در دگرگون کردن فرهنگ عمومی کمتر باشد و تبعات و نتایج آن خصوصاً در بلندمدت خود را نشان خواهد داد. از جمعیت ۲۴ میلیونی شافلان در کشور ما چه تعدادی از افراد به طور مستقیم در گیر تعاملات تجاری مالی و بانکی بین‌المللی هستند؟ ۱۰۰هزار نفر؟ ۲۰۰هزار نفر؟ ۵۰۰هزار



این سازمان جلوی نسل‌کشی را نمی‌گیرد

کاربری با نام «میرزا حسین» در توپیتی نوشت: حدود ۱۵۰ خبرنگار تو غزه شهید شدن و کلی خبرنگار دیگه هر روز سوز معر که جنگی در حال تهیه گزارش‌اند اما جایزه شجاعت شورای حقوق بشر سازمان ملل به اینتر نشنال تعلق گرفت! به مشت آدمکش جمع شدن دور هم به سازمانی تشکیل دادن! اون وقت بعضی‌ها توقع دارند این سازمان جلوی نسل‌کشی رو بگیره!

مقایسه ممنوع

کانال «ندکی تفکر» در اپتاه به‌اشتراک گذاشت؛ با شما نباید خودت را با دیگری مقایسه کنی. یا اگر می‌خواهی مقایسه کنی، حتماً باید شرایطی رو که میگم رعایت کنی تا مقایسه سبب رشد و بهتر شدن حال روحی‌تان شود. در مقایسه کردن خود با دیگری، چند نکته را بهش توجه اساسی کن:

۱) مقایسه باید سبب رشد تو بشه.

۲) مقایسه که تو را افسرده کنه، غلطه.

۳) در مقایسه نباید خوبی‌های خودت رو فراموش کنی.

۴) در مقایسه نباید طرف مقابل رو بدون نقص ببینی. (توجه داشته باشی که او انسان است، یعنی هم نقص دارد و هم خوبی)

۵) در مسائل اقتصادی، خودت رو با پایین‌تر از خود، مقایسه کن. زیرا در این صورت قدر داشته‌هات رو میدونی و برعکس اگه خودت رو با پولدار از خود مقایسه کنی، دیگر اهمیتی به داشته‌هات نمیدی (و این حس، حال تو رو خراب میکنه و البته خیلی نکات منفی دیگه داره و بنده تنها یه مورد آن رو ذکر کردم)

۶) در مسائل معنوی، خودت رو بالاتر از خود مقایسه کن تا دچار غرور و تکبر نشی. این کار سبب میشه تلاشت رو بیشتر کنی (البته باید مراقب بود که دچار باس و ناامیدی نشی، مثلاً بعضی خودشون رو با آقای بهجت مقایسه می‌کنند و میگن اون کجا من کجا پس من آدم بشو نیستم و...)

۷) در کل حواست به قسمت پر لیوان باشه که اگه چنین نباشد، از داشتن همان نعمتی هم که داری، لذت نخواهی برد.

بُرنگ؛ برشی برای درنگ

سید میثم میر تاج‌الدینی در کانال «مدرسه تاریخ‌اندیشی قصص» نوشت: بندیکت کهلر، اقتصاددان معروف در کتاب «صدر اسلام و زایش سرمایه‌داری» فارغ از آن ایده کلی قابل تقدش، به طور ضمنی به موقعیت ارتقا یافته زنان در قوانین اسلامی اشاره می‌کند. کهلر ابتدا با

توصیف وضعیت زنان تاجر و مستقل در جامعه عرب، نشان می‌دهد در عین وجود فضای باز

برای زنان آزاد، مستقل، ناوور و کارآفرین در آن دوره، اسلام «جایگاه زن» را به طور کلی ارتقا داده و حتی وی در موردی وضعیت زن در اسلام را با وضعیت زن در اروپا مقایسه می‌کند و از ارتقای جایگاه زن سخن می‌گوید. در ادامه برشی از کتاب بندیکت کهلر را می‌خوانیم:

«محمد با احکامی که صادر کرد، موقعیت زنان را در کل بهبود بخشید. یک نمونه‌اش محدود کردن تعداد همسران بود (پیش از آن چنین محدودیتی وجود نداشت)، دیگر اینکه برای نخستین بار برای بیوه‌ها حقوق مالکیت قائل شد و اجبار کردن کنیزان به تن‌فروشی را حرام کرد. یکی از اصلاحات بنیادینش از میان برداشتن رسم زنده‌به‌گور کردن نوزادان دختر بود که مایه سوگ و اندوهی هولناک برای والدین عرب بود. آنا جایی این اندوه هولناک بود که حتی فردی با خصوصیات عمر بن خطاب می‌گوید تنها حاد‌نهای که برای آن اشک ریخته، زنده‌به‌گور کردن دخترش بوده است. زنان عرب بر خلاف زنان اروپا در آن زمان، محق بودند مایملک شخصی داشته باشند. مهره- مبلنی که شوهر هنگام از دواج تقبل می‌کرد- به خود زن تعلق می‌گرفت.» (صدراسلام و زایش سرمایه‌داری، ص ۱۱۵ و ۱۱۶) و این همه یعنی احکام حقوقی اسلام در صدد ارتقای جایگاه زن بوده است و این نگاه را می‌توان به عنوان یک روح حاکم بر احکام دید که بنا دارد همواره معطوف به ارتقای کرامت انسانی حکم صادر نماید.

—————

چرا فروشنده‌ها پر حرفی می‌کنند؟

کانال تلگرامی «هار کتینگ آز» بخشی از کتاب «هوش فروش» اثر جب بلشت از کتاب آمده است: اکثر فروشنندگان، خوب، مؤدب، محترم و تاحد زیادی مطمئن و مثبت هستند، به مشتری لیخند می‌زنند و پشت تلفن عالی به نظر می‌رسند. به طور

کلی، بیشتر فروشنندگان به راحتی تمام این رفتارهای دوست‌داشتنی را انجام می‌دهند، به‌جز یک مورد؛ بیشتر از آن که به حرف‌های مشتری گوش کنند، خودشان حرف می‌زنند. واقعاً چرا فروشنندگان ترجیح می‌دهند بیشتر خودشان حرف بزنند تا مشتری؟ چرا به جای پر حرفی، تلاش نمی‌کنند مشتری بیشتر حرف بزند تا بتوانند شرایط، نیازها و خواسته‌های او را درک کنند؟ دلیل پر حرفی فروشنندگان را می‌توان در نیازهای روانی زیر جست‌وجو کرد:

۱) نیاز به اهمیت: بیشتر انسان‌ها دوست دارند نشان بدهند فرد مهم، مطلع، باهوش و زرنگی هستند. به همین دلیل است که وقتی مشتری در حال صحبت کردن است، فروشنده، احساس بااهمیت بودن نمی‌کند و در نتیجه، حرف مشتری را قطع می‌کند تا با پر حرفی به او نشان بدهد

چقدر مطلع و باهوش است.

۲) ترس از ناشناخته‌ها: چون فروشنندگان نمی‌دانند مشتری ممکن است درباره چه موضوعی صحبت کند، بر گفت‌وگو سوار می‌شوند تا احساس امنیت کنند.

۳) نیاز به کنترل: اکثر فروشنندگان به غلط بر این باورند که برای کنترل فرایند فروش باید مدام صحبت کنند و کمتر به مشتری اجازه بدهند صحبت کنند.

۴) دوست نداشتن سکوت: خیلی وقت‌ها مشتری در حال فکر کردن است و در نتیجه ساکت می‌ماند. به طور کلی، هر زمانی که سکوت حکمفرماست فروشنده احساس ترس می‌کند و اذیت می‌شود و در نتیجه تلاش می‌کند سکوت را با حرف‌های بیپوده و پر حرفی بشکند.

۵) بی‌صبری: بیشتر مشتریان به خصوص مشتریانی که بار اول است با فروشنده ملاقات می‌کنند، به سوالات و حرف‌های او پاسخ‌های کوتاه و خلاصه می‌دهند یا سرت پاسخگوی‌شان بسیار پایین است. به همین دلیل فروشنده احساس می‌کند فضای گفت‌وگو و مذاکره مثبت نیست و در نتیجه دلسرد می‌شود و تلاش می‌کند با پر حرفی به تصور خودش فضا آ مثبت کند.

اما یادمان باشد، صحبت مداوم و طولانی فروشنده از نظر مشتری بسیار رنج آور، خسته‌کننده و آزار دهنده است و برای همین بیشتر مشتریان به دنبال راه فرار می‌گردند تا از شر فروشنده پر حرف خودشان را نجات بدهند. پس به جای تلاش برای رفع پنج نیازی که باعث پر حرفی‌مان می‌شود، باید تلاش کنیم تکنیک‌ها و روش‌هایی را فرابگیریم که مشتری را به حرف بیآوریم.



► درباره درها، درباره گل‌ها در یک روز زیبای بهاری، درباره محله و گذر ما از صفحه توئیتری «سمیه عبداللهی»